

نقش والدین در تشویق فرزندان به نماز

حجت الاسلام والمسلمین رضا اخوی*

مقدمه

والدین به عنوان هسته اصلی خانواده، نقش به‌سزایی در هدایت فرزندان دارند. یکی از وظایف والدین، تربیت دینی و فراهم ساختن زمینه‌های سعادت و شکوفا نمودن فطرت خدایی فرزندان است که این مهم در زمان‌های مختلف زندگی آنان جریان دارد تا برآیند تربیت دینی تکمیل گردد و فرزندان آنان به زندگی مورد رضایت خالق متعال رهنمون گردند و با باور قلبی به دستورات خداوند به‌ویژه نماز عمل کنند.

در این نوشتار نگاهی کوتاه به این مقوله خواهیم داشت و برخی از راهکارهای اجرایی شدن این مهم، بیان خواهد شد.

یکی از وظایف والدین که بر آن بسیار تأکید شده، آموزش و تشویق فرزندان به نماز است.

والدین در تشویق فرزندان به نماز و آموزش آن، چهار نقش مهم را ایفا می‌کنند:

* نویسنده و محقق مرکز تخصصی نماز.

۱. نقش زمینه‌سازی

زمینه‌ها و بسترهای لازم برای تربیت درست فرزند، محدود به دوره‌ای نیست و دوره پیش از تولد و حتی پیش از انعقاد نطفه را نیز در بر می‌گیرد. در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز به تأثیر زمینه‌های پیش از تولد بر حالات و روحیات کودک توجه شده و در ایجاد بسترهای مناسب برای پرورش صحیح کودک سفارش‌هایی شده است؛ مانند انتخاب همسر مناسب، رعایت آداب آمیزش و... .

اهمیت این مسئله از آن جهت است که در دوران کودکی، هر بذری که در قلب کودک پاشیده شود، بر زندگی آینده آن اثرگذار خواهد بود؛ همان‌گونه که حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ كُلِّ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»^۱ قلب کودک‌ان همچون زمین خالی است که هر بذری در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد.»

نمونه این تأثیرگذاری را می‌توان در این داستان دریافت. نقل شده که روزی خانمی فرانسوی، تحت عمل جراحی قرار گرفت، زمانی که تیغ جراح به عصبی از اعصاب مغز او رسید، در حالت بی‌هوشی، شروع به خواندن سرودی آلمانی کرد. گروه جراح شگفت زده شدند و شگفتی آنان زمانی بیش‌تر شد که بعد از عمل جراحی فهمیدند این خانم اصلاً زبان آلمانی بلد نیست، بعد از بررسی روشن شد وقتی این خانم نوزاد بوده، سربازان آلمانی به فرانسه حمله کرده بودند و وارد محل سکونت این نوزاد شده بودند و در آن لحظه سرود می‌خواندند و این سرود در ضمیر ناخودآگاه کودک نقش بسته است.^۲

راه‌های فراهم کردن زمینه مناسب

در اسلام برای تولد کودک آداب و سنت‌هایی وجود دارد که برخی از آنها نقش مهمی در تربیت صحیح کودک دارند. برخی از این آداب عبارت‌اند از:

۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

در روایات متعددی آمده است که اهل بیت علیهم‌السلام هنگام تولد فرزندان‌شان، در گوش راست آنها

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. ر.ک: دهنوی، حسین، نسیم مهر، ج ۱، ص ۶۶ و ۶۷؛ کریمی‌نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت کودک‌ان و نوجوانان، ص ۴۰ و ۴۱.

اذان و در گوش چپ اقامه می‌گفتند و دیگران را نیز به آن سفارش می‌کردند.^۱ در این روایات به برخی از تأثیرات این سنت اشاره شده است.

۲. انتخاب نام نیکو

نامی که برای کودک انتخاب می‌شود، در شکل‌گیری شخصیت او تأثیر دارد. شاید به همین دلیل است که معصومان علیهم‌السلام انتخاب نام نیک را از حقوق فرزندان بر والدین شمرده‌اند: امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: «مردی خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و گفت: حق فرزندم بر من چیست؟ ایشان فرمود: نام نیکو بر او بگذاری، او را خوب تربیت کنی و او را به جایگاه نیکو برسانی». ^۲ امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود: «پیامبر نام‌های زشت افراد و شهرها را تغییر می‌داد». ^۳

۳. تغذیه

در آموزه‌های اسلامی بر حلال و پاکیزه بودن غذا بسیار تأکید و از خوردن غذای حرام به شدت نهی شده است. یکی از آثار غذای حرام، قبول نشدن نماز و روزه و عبادت است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»؛ ^۴ نماز کسی که لقمه‌اش حرام است، تا چهل روز پذیرفته نیست و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد». در روایت دیگری فرمود: «عبادت با غذای حرام مثل بنا بر روی ماسه یا آب است». ^۵

افزون بر این، کمیت غذا نیز در گرایش به نماز بی‌تأثیر نیست. مطابق برخی روایات، پرخوری عامل قساوت قلب، دل‌مردگی، ^۶ تبلی و کسالت می‌شود و همگی اینها از موانع جدی عبادت و

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱۰۴، ص ۱۲۷.

۴. همان، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۵. یادآوری این نکته ضروری است که قبولی و مردودی عمل مباحی جدا از صحت و بطلان عمل است. صحت و بطلان بر اساس رساله عملیه است اما قبول و رد بر اساس صفاتی است که نوعاً به میزان تقوای عامل برمی‌گردد. گاهی این دو با هم جمع هم می‌شود یعنی هم باطل است و هم مردود، گاهی صحیح است اما از مقبولیت چندانی برخوردار نیست مانند کسی که روزه صحیحی می‌گیرد اما در طول روز مرتب دروغ می‌گوید و غیبت می‌کند.

۶. حلی، ابن‌فهد احمد بن محمد، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، ص ۱۵۳.

۷. طبرسی، حسن، *مکارم الأخلاق*، ص ۱۴۰.

نماز است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرمایند: «از شکم‌بارگی برحذر باشید، چون شکم‌بارگی فساد تن است و باعث بیماری و کسالت در عبادت می‌شود»^۱.
بنابراین، فراهم آوردن زمینه مناسب مستلزم آن است که والدین فرزندان خود را با غذای حلال تغذیه کنند و به آنان بیاموزند غذا به اندازه بخورند و از پرخوری پیشگیری کنند.

۴. محبت به فرزندان

انسان‌ها به‌ویژه کودکان نیاز به محبت دارند، چنان‌که نیاز به غذا و مسکن و امنیت دارند. محبت به کودکان و فرزندان یکی از وظایف والدین است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «**أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم**»^۲ کودکان را محبت کنید و با آنان مهربان باشید. «محبت به فرزندان نه تنها نیازی از نیازهای روحی آنان را برآورده کرده و به آن‌ها اعتماد به نفس می‌دهد، بلکه موجب می‌شود والدین، محبوب کودکان شوند و به آن‌ها اعتماد پیدا کنند. این رابطه مبتنی بر محبت و اعتماد، موجب می‌شود فرزندان از والدین خود حرف‌شنوی داشته، خواسته‌ها و دستورات آن‌ها را بپذیرند و اجرا کنند. این تأثیرپذیری بستگی به میزان محبوبیت والدین دارد و هر چه میزان محبوبیت بیشتر باشد، تأثیرگذاری آن‌ها بر فرزندان‌شان نیز بیشتر خواهد بود.

۵. مقیدبودن والدین به نماز خواندن

یکی از عوامل مؤثر در یادگیری یک رفتار و گرایش به آن، مشاهده آن است. فرزندان خانواده‌ای که روزانه شاهد ادای نماز از سوی والدین خود هستند، به‌تدریج با نماز آشنا شده، چگونگی انجام آن را می‌آموزند و چه بسا خود به خود به آن علاقه‌مند شده، همراه با پدر و مادر نماز بخوانند. افزون بر این، والدین با این کار خود، تصویری زیبا، لذت‌بخش و هیجان‌انگیز در ذهن کودک رقم می‌زنند که نه تنها در همان زمان، کودک را به نماز جلب می‌کند و در او گرایش به نماز ایجاد می‌کند؛ بلکه هر زمان که کودک آن خاطرات را در ذهن خود مرور کند، احساس آرامش و لذت در او ایجاد شده و میل به نماز در او زنده می‌شود.

۶. رفت و آمد با خانواده‌ها و افراد اهل نماز

معاشرت با دیگران بر شخصیت و رفتار انسان تأثیری تدریجی اما بسیار عمیق می‌گذارد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۳۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

معاشران و همنشینان نه تنها در رفتار، بلکه در باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و موضع‌گیری‌های یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند. بر این اساس، معاشرت با افرادی که در دینداریشان استوار و به نماز پایبندند، موجب تقویت دین و استواری در انجام دستورات دینی می‌شود و در مقابل، ارتباط با افراد و خانواده‌های سست ایمان و بی‌توجه به نماز، در واقع نابودکردن زمینه مناسب برای گرایش فرزندان به نماز، بلکه زمینه دوری آنها از نماز است. به همین سبب، امام صادق علیه السلام به صورت ویژه در مورد نماز یادآور می‌شود که از همنشینی و دوستی با بی‌نمازان به شدت پرهیز کنید: «اِخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِحَصَلَتَيْنِ. فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَ إِيَّاكُمْ فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا...»^۱؛ دوستان خودتان را با دو ویژگی امتحان کنید، پس اگر در آنها بود (ادامه دهید) وگرنه به شدت از آنان دوری کنید؛ اول: حفظ نماز و نماز اول وقت ...».

۷. پرورش عادت‌های مناسب با نماز

برخی از عادت‌ها که متأسفانه در جامعه رواج پیدا کرده است، چندان با پایبندی به نماز تناسب ندارد. عادت به تماشای تلویزیون تا نیمه‌های شب، صرف شام سنگین، دیر خوابیدن در شب و دیر بیدار شدن در صبح، تماشای فیلم‌های نامناسب و تبلی، با تقیّد به نماز به‌ویژه نماز صبح در تعارض است. بنابراین، اگر والدین از همان ابتدا فرزندان‌شان را به‌گونه‌ای تربیت کنند که شام سبک بخورند، به موقع بخوابند، بامدادان از خواب برخیزند و تا دیر وقت به تماشای تلویزیون مشغول نباشند، در واقع زمینه مناسبی برای هدایت فرزند به نماز فراهم کرده‌اند.

۸. فراهم کردن زمینه‌های لازم برای آشنایی با آموزه‌های دینی

والدین افزون بر آموزش‌هایی که خودشان عهده‌دار می‌شوند، باید زمینه‌هایی فراهم کنند تا فرزندان‌شان آگاهی‌های لازم را درباره دین و دستورات دینی کسب نمایند. زمینه‌سازی ارتباط فرزندان با محیط‌های مذهبی، به‌خصوص مساجد و هیئت‌ها، ثبت‌نام کودکان در مراکز آموزش‌های دینی، آشناکردن کودکان با افرادی که اطلاعات دینی بالایی دارند، شرکت دادن فرزند در اردوهای زیارتی از جمله گام‌هایی است که خانواده می‌تواند برای فراهم‌شدن زمینه‌های آشنایی بیشتر فرزند با آموزه‌های دینی بردارد.

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲. نقش الگویی

در طول زندگی انسان، اولین و مهم‌ترین روش یادگیری و سازگاری موفق، «روش الگویی» است. بی‌گمان، خانواده جایگاه ممتاز و برجسته‌ای در یادگیری الگویی فرزندان دارد. از آنجا که نماز و نیایش با خدا، یک عمل عبادی که متشکل از رفتارهایی قابل مشاهده است، نقش الگویی والدین در آشناکردن کودکان و فرزندان با نماز و نهادینه‌کردن آن بسیار پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر می‌باشد.

به طور قطع، نمازخواندن یا نخواندن والدین و اعضای خانواده، نوع نگاه، ارزش‌گذاری و چگونگی اهتمام آنان به نماز و حتی نوع برخورد آنان با افراد نمازخوان، برای فرزندان اهمیت دارد و در پیش، نگرش و اقدام آنان نسبت به نماز تأثیر می‌گذارد. می‌توان گفت نمازخوان شدن یا نشدن فرزندان تا حدود بسیاری وابسته به الگویی است که خانواده در اختیار کودکان قرار می‌دهند. تحقیقات مختلفی که درباره‌ی میزان پایبندی به نماز در ایران انجام شده، همین نظر را تأیید می‌کند.^۱

بر این باور، والدین وظیفه‌سنگینی در زمینه‌ی نماز فرزندان بر عهده دارند. پدر و مادر در درجه‌ی اول باید توجه به این نقش قهری خود داشته باشند؛ در مورد آن شناخت لازم را بدست آورند و در جهت اصلاح خود قدم بردارند؛ زیرا آنها مهم‌ترین الگوی تربیتی کودکان هستند. در ادامه، راهکارهای بهبود و تقویت این نقش را به اختصار بررسی می‌کنیم.

الف) راهکارهای تصحیح و تقویت نقش الگویی خانواده

۱. پایبندی عالمانه والدین به نماز

معروف است که «کودکان ما همان می‌شوند که هستیم، نه آن که می‌خواهیم». این جمله بیانگر واقعیتی تربیتی است که توجه به آن می‌تواند بسیاری از مشکلات تربیتی را حل کند؛ در دوران کودکی، فرزندان فقط از ظاهر رفتار پیروی می‌کنند؛ اما در دوره‌ی دوم، به سبب رشد توانایی شناخت، به منطق رفتار والدین نیز پی می‌برند و اعتقادات و انگیزه‌های پنهان رفتار والدین را نیز درک می‌کنند. به همین جهت، در این دوره به الگوگیری از باطن رفتار و گفتار والدین می‌پردازند و به ظاهر آنها بسنده نمی‌کنند.

۱. ر.ک: داودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۹۵-۱۹۸.

این مطلب در مورد نماز نیز صادق است. کودک در ابتدا فقط نماز خواندن والدین را تقلید می‌کند؛ اما به تدریج که توانایی شناخت او رشد می‌کند و آگاهی او افزایش می‌یابد، میزان ارزش‌گذاری والدین به نماز و نیز میزان اهتمام و حالات قلبی والدین در نماز را درک و آنها را الگوی خود قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد. همچنین به تدریج انگیزه والدین در ادای نماز و نیز باورها و معرفت‌هایی را که مبنای نماز خواندن والدین هستند، درک می‌کند و آگاهانه می‌کوشد در این زمینه‌ها نیز همانند والدین خود باشد. این تأثیر پذیری به گونه‌ای است که حتی ممکن است از دیگر خویشاوندان و نزدیکان مورد علاقه نیز الگو برداری کند.

داستان آموزنده

روزی از سهل شوشتری که اهل کرامت بود پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ ایشان پاسخ داد: من در کودکی نزد دایی‌ام زندگی می‌کردم، وقتی هفت ساله بودم، نیمه شبی از خواب برای قضای حاجت بیدار شدم. وقتی که برگشتم بخوابم، دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته و عبادی به دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن‌گاه از من پرسید: پسر چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب! گفتم از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز این ماجرا تکرار شد و دایی‌ام به من گفت: برو بخواب. گفتم دوست دارم هر آنچه شما می‌گویید من هم تکرار کنم. دایی‌ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو یا حاضر و یا ناظر، من هم تکرار کردم. سپس گفت: برای امشب کافی است، حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت یا حاضر و یا ناظر را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضوگرفتن را هم آموختم و پس از آن که وضو می‌گرفتم، هفت مرتبه می‌گفتم: یا حاضر و یا ناظر. بالأخره کار به جایی رسید که من بدون این که نزد دایی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته آن اذکار را تکرار می‌کردم و از این کار بی‌نهایت لذت می‌بردم. اکنون رسیدن به این مقام را از لطف رفتار دقیق و منصفانه دایی‌ام در آن دوران حساس زندگی می‌دانم.

این داستان حقیقی به ما می‌فهماند که طرز رفتار مناسب با فرزندان در هر دوره‌ای، بهترین عامل مؤثر است، برای آن‌که فرزندانمان در آینده، شب‌زنده‌داران واقعی به حساب آیند و ذخیره معنوی

برای ما باشند.^۱

۲. مقبولیت و محبوبیت والدین

برخی از ویژگی‌های والدین در تقویت یا تضعیف الگوپذیری فرزندان تأثیر به‌سزایی دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان مقبولیت را نام برد. گرچه فرزندان - به‌خصوص در سنین کودکی - والدین خود را قبول دارند و به صورت طبیعی آنان را الگوی خود قرار می‌دهند، اما ممکن است با بالا رفتن سن فرزندان نظر آنان درباره والدین تغییر کرده و آنان را مقبول ندانند. اگر بخواهیم این مقبولیت حفظ و تقویت شود، لازم است دو ویژگی در والدین ایجاد و تقویت شود: تخصص و اعتماد. منظور از تخصص، آگاهی کافی والدین درباره آموزه‌های دینی، به‌ویژه نماز است. منظور از اعتماد این است که فرزندان بدانند والدین در توصیه‌ها و خواسته‌های دینی خود، فقط رضایت خدا و دستورات دینی را مد نظر دارند، نه منافع شخصی و خانوادگی و غیره را. والدینی که هم آگاهی کافی از مسائل و آموزه‌های دینی دارند، هم به آن چه می‌دانند، معتقد و پایبند هستند، مطمئناً در مسائل دینی نیز مقبول و الگوی فرزندان واقع می‌شوند.^۲

۳. هماهنگی رفتار والدین

یکی از شرایط ضروری برای موفقیت والدین در ایفای نقش الگویی، هماهنگی رفتار آنهاست. هرگونه ناهماهنگی میان رفتار والدین به‌شدت از تأثیرگذاری الگویی والدین جلوگیری می‌کند؛ زیرا فرزند بدان سبب که رفتار یک‌دست و هماهنگی را مشاهده نمی‌کند، متحیر می‌ماند و نمی‌داند رفتار کدامیک از والدین را الگو قرار دهد و بر اساس آن عمل کند. آیا باید نماز را با شرایط کامل بخواند یا مختصر؟ به آن اهمیت بدهد یا ندهد؟ همین تحیر و سرگردانی موجب وقفه در الگوگیری می‌شود.

۴. استمرار رفتارها

آموزش نماز به فرزندان در خانواده زمان فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد و از تولد تا حدود هفده یا هیجده سالگی طول می‌کشد. در طول این دوره یا دست‌کم تا زمانی که آموزش کامل شود و این رفتار در فرزند نهادینه شود، باید رفتار الگوها یعنی پدر و مادر تداوم یابد. قرآن نیز

۱. محمدی همدانی، اصغر، توشه‌ای از خرمن نماز، ص ۱۲۵.

۲. ر.ک. داودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۷۶.

می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛^۱ خانواده خود را به نماز امر کن و خود (نیز) با همه نیرو بر (مراعات) آن شکیبایی کن».

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، شناخت و آگاهی از موانع ایفای نقش الگویی خانواده همانند فرزندسالاری، دوست‌گرایی، الگوهای نامناسب، شبکه‌های مجازی و رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون، اشتغال تمام وقت والدین و مانند آن است که باید با برنامه‌ریزی و تدبیر مناسب، از این آسیب‌ها جلوگیری نمود.

۳. نقش آموزشی

یکی از نقش‌های والدین در مسیر ترغیب فرزندان به نماز، نقش آموزشی است. در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بر آموزش نماز به فرزندان از جانب والدین تأکید شده است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می فرماید: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ...»^۲ به فرزندان خود نماز بیاموزید...». ضرورت دارد والدین به نقش آموزشی خود توجه جدی داشته باشند و خود را برای ایفای مؤثر آن آماده کنند. ایفای موفق نقش آموزشی والدین مستلزم آشنایی آنان با راهکارها و موانع ایفای نقش است.

در راستای موفقیت این نقش، باید موانع ایفای نقش آموزشی والدین همانند: پایین بودن اطلاعات دینی والدین؛ نداشتن مهارت کافی؛ مشغله زیاد والدین؛ دشواری تربیت دینی؛ بی‌توجهی و اهمیت ندادن به آموزش‌های دینی؛ تزلزل خانواده؛ عادت کردن فرزندان به تقلید کورکورانه و دیگر موانع را شناخت و برای اصلاح و رفع آنها کوشید تا این نقش بهتر و پررنگ‌تر در روح و جان فرزندان بنشیند و اثرگذار گردد.

داستانی از روش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

امام صادق علیه‌السلام می فرماید: «روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حال نماز خواندن بود و امام حسین علیه‌السلام [که هنوز به خوبی زبانش به سخن گفتن باز نشده بود] در کنار حضرت ایستاده بودند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای شروع نماز، تکبیرة الاحرام گفتند، امام حسین علیه‌السلام نیز سعی کردند که الله‌اکبر بگویند اما

۱. طه، آیه ۱۳۲.

۲. شیخ صدوق، *خصال*، ج ۲، ص ۶۲۷.

نتوانستند. پیامبر ﷺ دوباره تکبیر گفتند و امام تلاش می‌کردند که الله اکبر بگویند اما باز نتوانستند. پیامبر ﷺ تا هفت بار گفتن تکبیر الاحرام را تکرار کردند، تا این که در تکبیر هفتم زبان امام حسین ﷺ باز شد و تکبیر الاحرام را درست ادا کردند»^۱.

۴. نقش نظارتی و مراقبتی

نظارت و مراقبت یکی از ضروریات فعالیت تربیتی است و بدون آن نمی‌توان به سرانجام رسیدن فعالیت‌های تربیتی امید داشت؛ زیرا غیر از والدین، عوامل دیگری هم بر نگرش‌ها و رفتارهای فرزند مؤثر هستند و همان‌ها ممکن است تلاش‌های والدین را کم‌اثر یا منحرف کرده و در نتیجه، پس از مدتی ممکن است فرزند رفتار آموخته شده را رها کرده یا حتی با آن به ستیزه برخیزد. اینجاست که والدین متوجه می‌شوند که در اثر عواملی که از نظر آنان مخفی مانده، تمام زحمات آنان بر باد رفته است. از این رو باید با آگاهی کامل و دقیق و نیز فراگیری روش‌های نظارت، به مراقبت از فرزندان در راستای تربیت صحیح دینی همت گمارد.

دستاورد این‌گونه تربیت آن است که فرزند به خودکنترلی خواهد رسید و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، مدیریت افکار و رفتار را بر عهده گرفته، از گناه و معصیت دوری و به انجام فرائض دینی، مقید می‌گردد. نمونه‌ای از این نوع رفتارها در حالات شهید بابایی نقل شده است.

شهید بابایی و نماز

زمانی که به آمریکا اعزام شد، روحیات متعالی و اخلاق اسلامی که از کودکی و تحت اشراف والدین خود آموخته بود، موجب شد تا از مظاهر بی‌بند و بار دنیای غرب فراری باشد. هم‌اتاقی آمریکایی اش گزارش او را به مقامات بالاتر داده بود و نوشته بود که او یک شخصیت منزوی و احتمالاً دارای اختلالات روانی است. خودش را از زنان دور می‌کند و با فرهنگ غربی مشکل دارد. به خصوص اشاره کرده بود که عباس شب‌ها به گوشه‌ای می‌رود و با خودش زمزمه می‌کند و گاهی اشک می‌ریزد!

همین گزارش‌ها برای عباس بابایی در دسر ایجاد کرد. به خصوص که وقتی دانشجویان هم‌دوره‌اش مدرک خلبانی خودشان را دریافت کردند، مدرک او صادر نشد و مسئولان او را احضار کردند.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۰.

شهید بابایی خودش این ماجرا را چنین تعریف کرده است: «روزی به دفتر مسئول دانشکده، که یک ژنرال آمریکایی بود، احضار شدم. به اتاقش رفتم و احترام گذاشتم. او از من خواست که بنشینم. پرونده‌ی من جلوی او، روی میز بود. ژنرال آخرین فردی بود که می‌بایستی نسبت به قبول و یا رد شدنم اظهار نظر می‌کرد.

او پرسش‌هایی کرد که من پاسخ‌اش را دادم. از سؤال‌های ژنرال بر می‌آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد... در این هنگام در اتاق به صدا درآمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او ضمن احترام، از ژنرال خواست تا برای کار مهمی به خارج از اتاق برود.

با رفتن ژنرال، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم. به ساعت نگاه کردم، وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم: کاش در اینجا نبودم و می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم. انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد. گفتم که هیچ‌کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین‌جا نماز را می‌خوانم. ان شاء الله تا نماز تمام شود، او نخواهد آمد. به گوشه‌ای از اتاق رفتم و روزنامه‌ای را که همراه داشتم به زمین انداختم و مشغول نماز شدم. در حال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم یا بشکنم؟ بالأخره گفتم، نماز را ادامه می‌دهم، هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد. سرانجام نماز را تمام کردم و در حالی که بر روی صندلی می‌نشستم، از ژنرال معذرت‌خواهی کردم. ژنرال پس از چند لحظه سکوت نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟

گفتم: عبادت می‌کردم. گفت: بیش‌تر توضیح بده.

گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت‌های معین از شبانه‌روز باید با خداوند به نیایش پردازیم و در این ساعات زمان آن فرا رسیده بود، من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.

ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همه‌ی این مطالبی که در پرونده‌ی تو آمده، مثل این‌که راجع به همین کارهاست. این‌طور نیست؟

پاسخ دادم: آری، همین‌طور است. او لبخندی زد و با چهره‌ای بشاش، خودنویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام‌آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم.^۱

۱. نک: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، پرواز تا بی‌نهایت، ص ۴۲.

روش نظارت و مراقبت

پس از روشن شدن ضرورت مراقبت و نظارت و صلاحیت‌های لازم برای آن، اکنون باید به روش نظارت و مراقبت پردازیم که عبارتند از:

۱. تغافل

اولین اقدام در نظارت و مراقبت «تغافل» است. هنگامی که متوجه خطایی می‌شویم، در بسیاری از موارد لازم نیست آن را یادآور شویم؛ بلکه باید وانمود کنیم چیزی نمی‌دانیم. تغافل و چشم‌پوشی از اشتباه دیگران، یک فضیلت اخلاقی بزرگ است؛ امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ»^۱ یکی از با ارزش‌ترین کارهای انسان بزرگوار تغافل از چیزهایی است که از آن آگاه است.»

۲. تذکر

دومین اقدام در راستای نظارت و مراقبت، یادآوری دادن است. یعنی گفتار و یا رفتاری که از مری [و والدین] سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آن چه از یاد برده، یا از آن غفلت کرده و از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم می‌باشد، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آنها برانگیزد.^۲

۳. تشویق و تنبیه

در اعمال نظارت به هیچ وجه از روش تشویق و تنبیه بی‌نیاز نیستیم؛ چراکه در تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به منزله‌ی دو بال هستند که با آنها، مرتبی به پرواز در می‌آید و به سوی مقصد عالی رشد و تکامل، حرکت می‌کند.

در این باره نوع رفتار امام خمینی علیه السلام با نوه‌اش به هنگام نماز بسیار آموزنده است. یکی از نوه‌های امام می‌گوید: وقتی بچه بودم، یک بار که امام مشغول نماز خواندن بود، من هم رفتم پشت سر ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان انجام می‌دادند، من هم تکرار می‌کردم. [پس از اتمام نماز] امام چند جلد کتاب کودکان که همان‌جا بود، برداشتند [به عنوان هدیه] به من دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام می‌رفتم، یا ایشان مرا می‌دید، از من می‌پرسید [آیا نماز را خوانده‌ای یا نه؟] اگر می‌گفتم بله، می‌گفتند: آفرین.^۳

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۰۷.

۲. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۱، ص ۴۳.

۳. نک: نشریه طوبی، بهمن ۱۳۸۶، ش ۲۶، ص ۵۶.